



The Effect of Financial Statement Comparability on the Relevance of Accounting Information with Emphasis on the Role of Sophistication Investors and Information Asymmetry

Majid Hashemi Dehchi

Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. E-mail: majidhashemi@ase.ui.ac.ir

Naser Izadinia

*Corresponding Author, Associate Prof., Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. E-mail: n.izadinia@ase.ui.ac.ir

Hadi Amiri

Assistant Prof., Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. E-mail: h.amiri@ase.ui.ac.ir

Abstract

Objective: According to the theoretical concepts of financial reporting, financial statement comparability is one of the qualitative characteristics of information which increases the decision usefulness of relevant accounting information. Comparability affects the usefulness of accounting information through two characteristics of investors, namely their sophistication and information asymmetry. Therefore, the aim of this study is to investigate the effect of financial statement comparability on the relevance of accounting information with emphasis on the role of sophisticated investors and information asymmetry.

Methods: The statistical population of this study is all companies listed in the Tehran Stock Market, among them 80 companies in the period 2010 to 2018 have been selected by systematic elimination method. For data analysis and hypothesis testing, multivariate regression model based on compound data is used.

Results: The results of the research model estimation indicate that financial statement comparability has a positive and significant effect on relevance. The findings also show that when sophisticated investors are high, the impact of financial statement comparability on the relevance of accounting information increases. In addition, when information asymmetry is low the impact of financial statement comparability on the relevance of accounting information increases.

Conclusion: The results of this study showed that when there are more sophisticated investors and less private information, the financial statement comparability improves the information users' ability to identify similarities and differences across economic phenomena. As a result, investors choose the best investment option that leads to efficient resource allocation.

Keywords: Relevance, Financial statement comparability, Sophistication investors, Information asymmetry.

Citation: Hashemi Dehchi, M., Izadinia, N., & Amiri, H. (2020). The Effect of Financial Statement Comparability on the Relevance of Accounting Information with Emphasis on the Role of Sophistication Investors and Information Asymmetry. *Accounting and Auditing Review*, 27(3), 473 - 494. (in Persian)

Accounting and Auditing Review, 2020, Vol. 27, No.3, pp. 473-494

DOI: 10.22059/acctgrev.2020.303951.1008383

Received: April 18, 2020; Accepted: July 15, 2020

© Faculty of Management, University of Tehran



تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری با تأکید بر نقش سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی

مجید هاشمی دهچی

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: majidhashemi@ase.ui.ac.ir

ناصر ایزدی نیا

* نویسنده مسئول، دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: n.izadinia@ase.ui.ac.ir

هادی امیری

استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: h.amiri@ase.ui.ac.ir

چکیده

هدف: بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات است که سودمندی در تصمیم اطلاعات حسابداری مربوط را افزایش می‌دهد. قابلیت مقایسه از طریق دو ویژگی سرمایه‌گذاران، یعنی تخصص آنها و عدم تقارن اطلاعاتی، بر میزان سودمندی اطلاعات حسابداری تأثیرگذار است. بنابراین هدف این پژوهش، بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری، با تأکید بر نقش سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی است.

روش: جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند و هشتاد شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ به روش حذف سیستماتیک انتخاب شده‌اند. همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از الگوی رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش حاکی از آن است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن، تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش، زمانی که سرمایه‌گذاران متخصص زیاد هستند، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری افزایش می‌یابد. علاوه بر این نیز، زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی پایین است، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این پژوهش، زمانی که سرمایه‌گذاران متخصص زیاد هستند و اطلاعات خصوصی کمتر است، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، توانایی استفاده‌کنندگان از اطلاعات را به‌منظور شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین پدیده‌های اقتصادی، بهبود می‌بخشد. در نتیجه، سرمایه‌گذاران، بهترین گزینه سرمایه‌گذاری را انتخاب می‌کنند که سبب می‌شود، منابع به‌صورت بهینه تخصیص پیدا کنند.

کلیدواژه‌ها: مربوط بودن، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، سرمایه‌گذاران متخصص، عدم تقارن اطلاعاتی.

استناد: هاشمی دهچی، مجید؛ ایزدی نیا، ناصر؛ امیری، هادی (۱۳۹۹). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری با تأکید بر نقش سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۳)، ۴۷۳-۴۹۴.

مقدمه

چارچوب مفهومی هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی^۱ (۲۰۱۰)، ویژگی‌های کیفی را به دو دسته ویژگی‌های کیفی بنیادین و ارتقادهنده تفکیک کرده است. ویژگی‌های کیفی بنیادین شامل ارائه منصفانه و مربوط بودن و ویژگی‌های کیفی ارتقادهنده نیز، شامل مقایسه‌پذیری، تأییدپذیری، به‌هنگام بودن و فهم‌پذیری هستند. این چارچوب، بین ویژگی‌های کیفی بنیادین و ارتقادهنده تمایز قائل شده است و بیان می‌کند که ویژگی‌های ارتقادهنده، باعث ارتقای ویژگی‌های بنیادین می‌شوند (هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰)، اما در خصوص چگونگی آن توضیح نداده است. به همین منظور در این پژوهش، برای بررسی رابطه بین ویژگی‌های کیفی، از بین ویژگی‌های بنیادین، مربوط بودن و از بین ویژگی‌های ارتقادهنده، مقایسه‌پذیری به دلیل قابلیت اندازه‌گیری آنها انتخاب شده‌اند. بر اساس چارچوب مفهومی، اطلاعات حسابداری زمانی مربوط هستند که توانایی ایجاد تفاوت در تصمیم‌های استفاده‌کنندگان را داشته باشند و اگر اطلاعات به سرمایه‌گذاران در ارزیابی عملکرد آتی شرکت کمک کند، سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاران تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود را تغییر دهند (هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰). همچنین مقایسه‌پذیری یکی از ویژگی‌های ارتقادهنده کیفیت گزارشگری مالی به شمار می‌رود که استفاده‌کنندگان را به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین مجموعه‌ای از پدیده‌های اقتصادی قادر می‌کند (هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰). دی فرانکو، کوتاری و وردی^۲ (۲۰۱۱)، مقایسه‌پذیری حسابداری را به‌عنوان نزدیکی سیستم حسابداری بین دو شرکت تعریف می‌کنند. اگر شرکت‌ها در مواجهه با رویدادهای اقتصادی مشابه، اعداد حسابداری مشابهی تولید کنند، مقایسه‌پذیری حسابداری افزایش می‌یابد. قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی کمک می‌کند تا از عملکرد اقتصادی یک شرکت در مقایسه با شرکت‌های همسان خود درک و ارزیابی بهتری داشته باشند.

قابلیت مقایسه، یکی از ویژگی‌های کلیدی در دستیابی به سودمندی در تصمیم برای استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی است، اما در چارچوب مفهومی جاری مشخص نیست که اثربخشی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، چگونه (چه زمانی) سودمندی در تصمیم اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. همچنین، در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران بیان شده که قابلیت مقایسه، یکی از ویژگی‌های کیفی مرتبط با ارائه اطلاعات است که بر مفید بودن اطلاعات حسابداری می‌افزاید اما در خصوص معیارهای آن توضیحی داده نشده است. از طرفی دیگر، بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، اطلاعات حسابداری در صورتی مفید هستند که مربوط باشند، اما اگر اطلاعات ارائه‌شده، ویژگی قابل مقایسه بودن را نداشته باشند، علی‌رغم داشتن ویژگی مربوط بودن، دارای فایده محدودی هستند (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۹). بنابراین، اطلاعات مربوط زمانی از مزیت مفید بودن یا سودمندی در تصمیم برخوردار است که به‌صورت قابلیت مقایسه ارائه شده باشد. قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، میزان سودمندی در تصمیم اطلاعات حسابداری مربوط را از طریق نقش ایفاشده به‌وسیله دو بعد مهم ویژگی‌های استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، یعنی تخصص سرمایه‌گذاران^۳ و عدم تقارن اطلاعاتی^۴ افزایش می‌دهد. به همین دلیل، انتظار می‌رود، مقایسه‌پذیری

1. Financial Accounting Standards Board (FASB)
3. Investor Sophistication

2. Defranco, Kothri & Verdi
4. Information Asymmetry

صورت‌های مالی از طریق این دو ویژگی، مربوط بودن اطلاعات حسابداری (سودمندی در تصمیم اطلاعات) را افزایش دهد (روبرت، سانگوان و پریانکا^۱، ۲۰۱۸).

سرمایه‌گذاران متخصص^۲، دسته‌ای از سرمایه‌گذاران هستند که برای مشارکت در انواع فرصت‌های سرمایه‌گذاری، دارای سرمایه، مهارت و دانش کافی هستند (کولین، گانگ و هریبار^۳، ۲۰۰۳). تحلیل مقایسه‌پذیری، روش بررسی متخصصانه‌ای^۴ است که سرمایه‌گذاران متخصص همچون سهام‌داران نهادی، در فرایند ارزیابی شرکت‌ها، تجربه، مهارت و توانایی انجام آن را دارند (کیم و ورچیا^۵، ۱۹۹۴). سرمایه‌گذاران متخصص، برای انجام مقایسه‌پذیری بین شرکت‌ها، توانایی بیشتری دارند، به همین دلیل جریان‌های نقد و عملکرد شرکت را بهتر ارزیابی می‌کنند. پژوهش‌های پیشین نشان دادند که معامله‌گران نهادی، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بهینه‌ای اتخاذ می‌کنند (باچاتریا^۶، ۲۰۰۱ و میخائیل، والتر و ویلز^۷، ۲۰۰۷)، در نتیجه، زمانی که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی متخصص باشند، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، مربوط بودن اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. زمانی که یک طرف قرارداد یا معامله، از اطلاعات بیشتری آگاهی داشته باشد و هنگام برقراری ارتباط با طرف دیگر، به‌صورت مؤثر از این اطلاعات استفاده کند، عدم تقارن اطلاعاتی به وجود می‌آید (ابودی و لو^۸، ۲۰۰۰). اطلاعات خصوصی در رابطه با پتانسیل رشد مشاهده‌نشده شرکت، بر انتخاب شرکت‌های همسان تأثیر می‌گذارد (بونی و وومک^۹، ۲۰۰۶ و دی فرانکو، هوپ و لاروک^{۱۰}، ۲۰۱۵). عدم تقارن اطلاعاتی در میان سرمایه‌گذاران، عدم اطمینان در خصوص انتخاب شرکت‌های همسان در حضور اطلاعات خصوصی را افزایش می‌دهد (روبرت و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین، وقتی عدم تقارن اطلاعاتی پایین باشد، رابطه بین مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری قوی‌تر است.

با توجه به مطالب بیان‌شده و پژوهش‌های متعددی همچون پژوهش‌های مهریان پور، فرجی، سجادپور (۱۳۹۹) و فروغی و قاسم زاد (۱۳۹۴) که بر اهمیت بسیار زیاد قابلیت مقایسه و نقش مهم قابلیت مقایسه در توانمندسازی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر بستانکاران تأکید کرده‌اند و این موضوع که تاکنون در ایران، پژوهشی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری با توجه به نقش سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی را بررسی نکرده است، هدف این پژوهش بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری با تأکید بر نقش سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی است. انتظار می‌رود، نتایج این پژوهش، برای مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی، پشتوانه‌ای علمی فراهم آورد تا از این طریق بتواند به سرمایه‌گذاران و سهام‌داران در اخذ تصمیم اقتصادی سودمند یاری رساند.

مبانی نظری

قابلیت مقایسه، یکی از خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با ارائه اطلاعات است که بر مفید بودن اطلاعات می‌افزاید. طبق

1. Robert, Sangwan & Prianka
3. Collin, Gong & Hribar
5. Kim & Verrecchia
7. Mikhail, Walther & Willis
9. Boni & Womack

2. Sophistication Investor
4. Sophisticated
6. Bhattacharya
8. Aboody & Lev
10. De Franco, Hope & Larocqe

بیانیه شماره هشت هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی و چارچوب مفهومی گزارشگری مالی هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۱ (۲۰۱۰)، قابلیت مقایسه، قابلیت تأیید، به‌موقع بودن و فهمیدنی بودن، ویژگی‌هایی کیفی هستند که سودمندی اطلاعاتی را که مربوط بوده و به‌طور صادقانه ارائه شده‌اند، افزایش می‌دهند. تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان همواره شامل انتخاب بین فرصت‌های جایگزین است. در نتیجه، اطلاعات یک واحد گزارشگر زمانی مفیدتر خواهد بود که بتوان آنها را با اطلاعات مشابه سایر واحدها و با اطلاعات مشابه همان واحد برای دوره‌های دیگر مقایسه کرد (هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰).

در پژوهش قبلی، به مزایای متعددی از قابلیت مقایسه صورت‌های مالی همچون کاهش هزینه تحصیل اطلاعات، کاهش عدم اطمینان مرتبط با ارزیابی عملکرد و جریان نقد شرکت و افزایش کیفیت و کمیت اطلاعات در دسترس استفاده‌کنندگان خارجی، بهبود کار تحلیلگران از طریق کاهش خطاهای پیش‌بینی و پراکندگی پیش‌بینی (دی فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱)، کاهش ریسک سقوط آتی قیمت سهام (کیم، لی، لو و یو،^۲ ۲۰۱۶) و کاهش عدم اطمینان مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه (کیم، کرفت و رایان،^۳ ۲۰۱۳)، اشاره شده است. قابلیت مقایسه صورت‌های مالی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، ناهمگونی دیدگاه سرمایه‌گذاران از جریان‌های نقد شرکت را کاهش داده و تخصیص کارآمد سرمایه را تسهیل می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که پذیرش اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، در بازار سرمایه، فقط برای شرکت‌هایی که دارای قابلیت مقایسه بیشتر صورت‌های مالی هستند، مزایایی دارد (نیل،^۴ ۲۰۱۷). بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری است که ویژگی بنیادی اطلاعات همچون مربوط بودن را افزایش می‌دهد. با وجود این، در مبانی نظری مشخص نیست که آیا نقش قابلیت مقایسه در ارتقای اطلاعات حسابداری مربوط به‌طور شایان توجهی با توانایی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در انجام تحلیلی متخصصانه یا وجود اطلاعات خصوصی در بین استفاده‌کنندگان مختلف، مرتبط و متفاوت است یا خیر؟

تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری بر اساس دو نقش جایگزینی^۵ و مکمل^۶ آن توضیح‌دانی است. به بیان دیگر، قابلیت مقایسه بر اساس تعامل بین مقایسه‌پذیری اطلاعات حسابداری و تخصص سرمایه‌گذاران و عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، در بازار سرمایه دو نقش جایگزینی و مکمل را ایفا می‌کند. بر اساس نقش جایگزینی مقایسه‌پذیری، بین سرمایه‌گذاران، مدیران و تحلیلگران، منابع متعدد اطلاعاتی خاص شرکت‌ها رد و بدل می‌شوند که باعث ایجاد جزئی کامل از محیط اطلاعاتی شرکت می‌شود (کوتاری، لی و شورت،^۷ ۲۰۰۹). استفاده‌کنندگان متخصص اطلاعات حسابداری نظیر سهام‌داران نهادی، متقاضی افشای اطلاعات با کیفیت بالا هستند (برد و کارولی،^۸ ۲۰۱۶ و بون و وایت،^۹ ۲۰۱۵). این سرمایه‌گذاران به منابع اطلاعاتی جایگزین متعدد دسترسی دارند که

1. International Accounting Standards Board
 3. Kim, Kraft & Ryan
 5. Substitutive
 7. Kothari, Li & Short
 9. Boone & White

2. Kim, Li, Lu & Yu
 4. Neel
 6. Complementary
 8. Bird & Karolyi

سبب می‌شود اطلاعات خاص شرکت را در اختیار داشته باشند (دراک، گست و وودت^۱، ۲۰۱۴ و کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹) بر این اساس و بر اساس نقش جایگزینی مقایسه‌پذیری، پیش‌بینی می‌شود که وقتی تخصص سرمایه‌گذاران بالا باشد، احتمال کمتری وجود دارد که مقایسه‌پذیری، ارزش‌نهایی درک اطلاعات حسابداری را افزایش دهد، زیرا سرمایه‌گذاران متخصص به منابع اطلاعاتی متعددی دسترسی دارند و به اطلاعات حسابداری توجه زیادی نمی‌کنند. در مقابل، بر اساس پیش‌بینی نقش مکمل مقایسه‌پذیری، تحلیل اطلاعات مقایسه‌شدنی می‌تواند برای شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص در میان سرمایه‌گذاران، مفیدتر باشد. تحلیل مقایسه‌پذیری، روشی برای بررسی متخصصانه است (کیم و ورچینا، ۱۹۹۴) و انجام آن در مدل‌های ارزیابی، کار پیش‌پا افتاده و ساده‌ای نیست و در رابطه با شرکت و صنعت، به مهارت و دانش اساسی نیاز دارد (کمپل و ینگ^۲، ۲۰۱۷). لیبی، لیبی و هوج^۳ (۲۰۱۷)، تأکید کردند که بانک‌های سرمایه‌گذاری و سهام‌داران نهادی، در فرایند ارزشیابی از مقایسه‌پذیری استفاده می‌کنند. سرمایه‌گذاران، به درک تفاوت‌ها و شباهت‌ها در انتخاب‌های حسابداری بین شرکت‌های مختلف نیاز دارند. مشارکت‌کنندگان متخصص بازار همچون سهام‌داران نهادی دارای مهارت، منابع و توانایی انجام چنین تحلیل مقایسه‌پذیری بین شرکت‌های همسان هستند. همچنین، معامله‌گرانی که در پردازش اطلاعات عمومی، تخصص بیشتری دارند، حداقل در مقایسه با معامله‌گران با تخصص کمتر، از مزایای اطلاعاتی بیشتری برخوردار هستند (کیم و ورچینا، ۱۹۹۴). بر اساس نقش مکمل قابلیت مقایسه، تحلیل مقایسه‌پذیری در شکل دادن واکنش سرمایه‌گذاران به اعلام سود برای شرکت‌هایی با سرمایه‌گذاران متخصص، اهمیت زیادی دارد. بنابراین، بر اساس نقش مکمل مقایسه‌پذیری، وقتی تخصص سرمایه‌گذاران بالا باشد، رابطه بین مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری قوی‌تر است.

به گفته هالتوسن و ورچینا^۴ (۱۹۹۸)، دقت کانال‌های اطلاعاتی پیش از افشا، آگاهی‌بخشی افشای بعدی اطلاعات شرکت را کاهش می‌دهد که نشان‌دهنده ارتباط جایگزین بین رخدادهای اطلاعاتی پشت‌سرهم است. وقتی کیفیت محیط اطلاعاتی پیش از افشا بالا باشد، اعلام سود آگاهی‌بخشی کمتری دارد. به بیان دیگر، زمانی که محیط اطلاعاتی پیش از افشا، باکیفیت باشند، اعلام سود و ارائه صورت‌های مالی آگاهی‌بخشی کمتری دارند. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری کیفیت محیط اطلاعاتی پیش از افشا، از عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران آگاه و ناآگاه استفاده می‌شود، زیرا زمانی که اطلاعات عمومی بالا است، انگیزه مدیران برای کسب اطلاعات خصوصی، کمتر است. دقت کانال‌های اطلاعاتی پیش از افشا، جایگزینی برای آگاهی‌بخشی به سرمایه‌گذاران است (دیاموند^۵، ۱۹۸۵)، بنابراین بر اساس نقش جایگزینی مقایسه‌پذیری پیش‌بینی می‌شود که وقتی عدم تقارن اطلاعاتی پایین باشد، مقایسه‌پذیری، برای بهبود سودمندی در تصمیم‌گیری اطلاعات حسابداری، فضای کمتری^۶ دارد (روبرت و همکاران، ۲۰۱۸).

در مقابل، پژوهش‌های اخیر شواهدی را ارائه می‌دهند که نقش مکمل مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی را در زمینه عدم تقارن اطلاعات نشان می‌دهد. به‌طور خاص، ادبیات نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان در بازار تمایل دارند که گروه‌های مختلف شرکت‌های همسان را برای بررسی یک شرکت مشابه تعریف کنند و فرایند انتخاب کردن شرکت‌های

1. Drake, Guest & Twedt
3. Libby, Libby & Hodge
5. Diamond

2. Campbell & Yeung
4. Holthausen & Verrecchia
6. Smaller room

همسان انتخابی اختیاری است که توسط تک‌تک استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی انجام شده است. به‌طور مثال، بونی و وومک (۲۰۰۶) دریافتند که تحلیلگران مالی تمایل دارند تا برای اصلاح سرمایه‌گذاران از قیمت‌گذاری نادرست پیشین سهام از طریق مقایسه درون صنعتی، ارزش افزوده‌ای اضافه کنند و پیشنهاد دادند که مزایای رقابتی آنها در مقایسه با سایر فعالان بازار، ناشی از مقایسه نسبی عملکرد شرکت با شرکت‌های همسان درون صنعت است. دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند که تحلیلگران مالی، در انتخاب شرکت‌های همسان که دارای ارزش‌های بالایی هستند، در مقایسه با شرکت به ارزش پایین، به اختیار عمل می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که اطلاعات خصوصی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در خصوص بررسی فرصت‌های رشد مشاهده‌نشده شرکت می‌تواند بر انتخاب گروه‌های همسان خاص تأثیرگذار باشد، به این معنا که احتمالاً سرمایه‌گذاران آگاه‌تر متفاوت از سرمایه‌گذاران با آگاهی کمتر، شرکت‌های همسان را انتخاب می‌کنند. عدم تقارن اطلاعاتی در میان سرمایه‌گذاران، عدم اطمینان در خصوص انتخاب شرکت‌های همسان در حضور اطلاعات خصوصی را افزایش می‌دهد (روبرت و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین، بر اساس نقش مکمل مقایسه‌پذیری، وقتی عدم تقارن اطلاعاتی پایین باشد، رابطه بین مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری قوی‌تر است.

پیشینه تجربی

مهربان پور و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با در نظر گرفتن نقش کیفیت گزارشگری مالی، رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را بررسی کردند. یافته‌ها نشان دادند که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، نگره‌داشت وجه نقد به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، کیفیت گزارشگری مالی میانجی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگره‌داشت وجه نقد نیست.

آقایی و حسن‌زاده (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان مقایسه‌پذیری حسابداری و تأثیر آن بر کارایی سرمایه‌گذاری، رابطه بین مقایسه‌پذیری و کارایی سرمایه‌گذاری را بررسی کردند. شواهد پژوهش نشان می‌دهند که بین مقایسه‌پذیری حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به‌عبارتی، مقایسه‌پذیری حسابداری، میزان دسترسی به اطلاعات باکیفیت حسابداری در خصوص پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش داده و به بهبود تصمیم‌های سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. زمانی که مقایسه‌پذیری حسابداری میان شرکت‌های هم‌تا بالاتر است، زمینه‌ای فراهم می‌شود که می‌توان با یادگیری از نحوه سرمایه‌گذاری شرکت‌های هم‌تا، تصمیم‌های بهتری اتخاذ کرد.

بهار مقدم و موسوی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان تأثیر قابلیت پایداری سود و شرایط اقتصادی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری، تأثیر پایداری سود و شرایط اقتصادی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری را بررسی کردند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که جداسازی سود پایدار و ناپایدار، باعث افزایش مربوط بودن اطلاعات حسابداری می‌شود و میزان تأثیرگذاری سود پایدار بر قیمت سهم بیشتر از تأثیر سود ناپایدار است. همچنین در سال‌هایی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر است، مربوط بودن اطلاعات حسابداری با سطح سرمایه‌گذاری رابطه منفی دارد و بین مربوط بودن اطلاعات حسابداری با انتظارهای رشد نیز رابطه معناداری وجود ندارد.

فروغی و قاسم زاد (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، ضریب واکنش سودهای آتی را افزایش می‌دهد. بر اساس نتایج، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی سبب می‌شود تا میزان بیشتری از اطلاعات خاص شرکت در قیمت جاری سهام منعکس شود.

روبرت و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری را بررسی کردند. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری مربوط بودن اطلاعات، از ضریب واکنش سود جاری استفاده شده است. بر اساس نتایج این پژوهش، بین قابلیت مقایسه و ضریب واکنش سود جاری، رابطه‌ای مثبت وجود دارد و زمانی که سرمایه‌گذاران متخصص زیاد بوده و عدم تقارن پایین باشد، رابطه قابلیت مقایسه و ضریب واکنش سود جاری، قوی‌تر می‌شود.

چوئی، چوئی، میرز و زیبارت^۱ (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و آگاهی‌بخش قیمت سهام درباره سودهای آتی، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی را بررسی کردند. بر اساس نتایج این پژوهش، در شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آنها با شرکت‌های هم‌صنعت قابلیت مقایسه بیشتری دارد، ضریب واکنش سودهای آتی بیشتر بوده و تأثیر قابلیت مقایسه بر ضریب واکنش سودهای آتی، به سودمندی قابلیت مقایسه در افزایش توان سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی اطلاعات خاص شرکت، مربوط است. آنها در تجزیه و تحلیل اضافی نیز نشان دادند که قابلیت مقایسه با هم‌زمانی قیمت سهام رابطه معکوس دارد.

چن، کولین، کراوت و مرجنتار^۲ (۲۰۱۸)، تأثیر مقایسه‌پذیری حسابداری بر تصمیم‌های تخصیص سرمایه، به‌طور خاص ادغام و تحصیل را بررسی کردند. به گفته آنها، مقایسه‌پذیری حسابداری در رابطه با شرکت‌های هدف، مجموعه اطلاعات غنی‌ای را فراهم می‌آورد که به شرکت‌های تحصیل‌کننده کمک می‌کند تا شرکت‌های هدف در مقایسه با سایر شرکت‌ها، از جریان نقد آتی، پیش‌بینی بهتر و از رویدادهای اقتصادی، درک بهتری داشته باشند و ارزیابی بهتری انجام دهند. نتایج نشان دادند که مقایسه‌پذیری بالای شرکت‌های هدف، با بازده بالای بازار در تاریخ اعلام تحصیل و هم‌افزایی بالاتر رابطه دارد. تجزیه و تحلیل عملکرد عملیاتی پس از تاریخ تحصیل نشان داد، زمانی که شرکت‌های هدف دارای اطلاعات حسابداری مقایسه‌پذیرتری باشند، شرکت‌های تحصیل‌کننده به سطح عملکرد عملیاتی بهتری می‌رسند.

بیسلند و همبرگ^۳ (۲۰۱۳)، در پژوهش خود، پایداری، شرایط اقتصادی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که جداسازی سود پایدار و ناپایدار، باعث افزایش مربوط بودن اطلاعات حسابداری نمی‌شود، اما تأثیر سود پایدار و ناپایدار بر قیمت هر سهم متفاوت است و شرایط اقتصادی با مربوط بودن اطلاعات حسابداری رابطه دارد.

- بر اساس پیشینه نظری و تجربی مطرح شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر هستند:
۱. قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارد.
 ۲. رابطه مثبت بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری با تخصص سرمایه‌گذاران تغییر نمی‌کند.
 ۳. رابطه مثبت بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری با عدم تقارن اطلاعاتی تغییر نمی‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ تشکیل می‌دهند. به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات مربوط به سود پیش‌بینی شده شرکت‌ها از سال ۱۳۹۶ به بعد، از داده‌های سال ۱۳۹۷ استفاده نشده است. همچنین، از آنجا که در تخمین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به اطلاعات سه سال قبل نیاز است، اطلاعات مورد نیاز سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ نیز جمع‌آوری شده‌اند. در این پژوهش، شرکت‌هایی مد نظر قرار خواهند گرفت که از شرایط زیر برخوردار باشند:

۱. به منظور مقایسه‌شدنی بودن اطلاعات، سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفندماه باشد.
 ۲. طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 ۳. معاملات سهام شرکت طی دوره پژوهش، بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
 ۴. کلیه داده‌های مورد نیاز پژوهش برای شرکت‌های بررسی شده، موجود و در دسترس باشند.
 ۵. جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری و لیزینگ) نباشند.
- از آنجا که متغیر مستقل در سطح صنعت تعریف و محاسبه شده است، پس از اعمال شرایط یادشده، صنایعی انتخاب شدند که حداقل چهار شرکت در صنعت مد نظر وجود داشته باشد. با توجه به شرایط و محدودیت‌های بیان شده، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع هشتاد شرکت انتخاب شدند. برای برآورد مدل‌ها نیز از نرم‌افزار ۱۴ stata استفاده شده است.

مدل و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه اول پژوهش بر اساس پژوهش روبرت و همکاران (۲۰۱۸)، از مدل رگرسیونی چندمتغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی به شرح رابطه ۱ استفاده شده است.

$$\begin{aligned}
 CAR_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 ESUR_{i,t} + \beta_2 Com_{i,t} + \beta_3 ESUR_{i,t} \times COM_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} \\
 & + \beta_5 BtM_{i,t} + \beta_6 Lev_{i,t} + \beta_7 Loss_{i,t} + \beta_8 ESUR_{i,t} \times Size_{i,t} \\
 & + \beta_9 ESUR_{i,t} \times BtM_{i,t} + \beta_{10} ESUR_{i,t} \times Lev_{i,t} + \beta_{11} ESUR_{i,t} \times Loss_{i,t} \\
 & + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}
 \tag{رابطه ۱}$$

که در این رابطه، $CAR_{i,t}$ بازده غیرعادی انباشته در پنجره سه‌روزه اعلام سود، $ESUR_{i,t}$ سود غیرمنتظره، $COM_{i,t}$ قابلیت مقایسه شرکت، $Size_{i,t}$ اندازه شرکت، $Btm_{i,t}$ ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، $Lev_{i,t}$ اهرم مالی و $Loss_{i,t}$ زیان‌دهی شرکت، است. در ادامه نحوه اندازه‌گیری این متغیرها ارائه می‌شود. برای تأیید فرضیه اول انتظار می‌رود ضریب β_3 مثبت و معنادار باشد.

برای آزمون فرضیه دوم، شرکت‌ها بر اساس سهام‌داران نهادی، به شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص بیشتر و کمتر دسته‌بندی می‌شوند. بعد از تفکیک شرکت‌ها به شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص بیشتر و کمتر، به صورت مجزا برای هر دسته (سرمایه‌گذاران تخصص بیشتر و کمتر) برای آزمون فرضیه دوم از رابطه ۱ استفاده می‌شود. برای تأیید فرضیه دوم انتظار می‌رود، ضریب β_3 در شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص بیشتر در مقایسه با شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص کمتر، بزرگ‌تر (مثبت) باشد.

برای آزمون فرضیه سوم، شرکت‌ها بر اساس عدم تقارن اطلاعاتی، به شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی پایین و بالا دسته‌بندی می‌شوند. بعد از تفکیک شرکت‌ها به شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی پایین و بالا، از رابطه ۱ به صورت مجزا برای هر دسته (عدم تقارن اطلاعاتی پایین و بالا) از شرکت برای آزمون فرضیه سوم استفاده می‌شود. برای تأیید فرضیه سوم، انتظار می‌رود ضریب β_3 در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی پایین، در مقایسه با شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا، بزرگ‌تر (مثبت) باشد.

متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش مربوط بودن اطلاعات حسابداری است. در این پژوهش، بر اساس پژوهش‌های کولین و کوتاری^۱ (۱۹۸۹)، فرانسیس، لافوند، اولسون و شیپر^۲ (۲۰۰۷) و کوتاری^۳ (۲۰۰۱)، از ضریب واکنش سود جاری به‌عنوان معیار اندازه‌گیری سودمندی در تصمیم اطلاعات حسابداری (مربوط بودن) استفاده شده است. رابطه بین بازده سهام و سود تحقق‌یافته سال جاری، ضریب واکنش سود نامیده می‌شود که برای اندازه‌گیری آن از رابطه ۲ استفاده شده است.

$$CAR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ESUR_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۲}$$

که در رابطه بالا، $CAR_{i,t}$ بازده غیرعادی انباشته در پنجره سه‌روزه اعلام سود است. برای محاسبه بازده غیرعادی انباشته در یک دوره سه‌روزه (روز قبل، اعلام و روز بعد) پیرامون تاریخ اعلام سود از رابطه ۳ استفاده شده است (قدر مطلق گرفته می‌شود).

$$CAR = \sum_{-1}^1 AR_{it} \quad \text{رابطه ۳}$$

$$AR_{it} = R_{it} - R_{mt}, \quad R_{mt} = \frac{I_{mt} - I_{mo}}{I_{mo}}$$

1. Collin & Kothari
3. Kothari

2. Francis, LaFond, Olsson & Schipper

CAR بازده غیرعادی انباشته، AR بازده غیرعادی، R_{it} بازده روزانه شرکت i ، R_{mt} بازده روزانه بازار، I_{mt} شاخص بازار در روز t و I_{mo} شاخص بازار در روز $t-1$ است.

$ESUR$ سود غیرمنتظره هر سهم از تفاوت قدر مطلق بین سود اعلام شده و سود پیش‌بینی شده تقسیم بر قیمت سهام پایان دوره محاسبه شده است.

به پیروی از پژوهش حمیدیان، عرب‌صالحی و امیری (۱۳۹۷)، در این پژوهش، برای اندازه‌گیری سود غیرمنتظره، از سودی که شرکت پیش‌بینی کرده، استفاده شده است، زیرا دریافت هرگونه سیگنال اطلاعاتی، از جمله اعلام سود شرکت‌ها می‌تواند به تجدید نظر در باورهای پیشین سرمایه‌گذاران منجر شده، زمینه یادگیری را فراهم کند، بر واکنش سرمایه‌گذاران در رابطه با اعلام سود تأثیر بگذارد و سبب کسب بازده غیرعادی شود (پاستور و ورونسی^۱، ۲۰۰۹). ضریب β_1 به‌عنوان ضریب واکنش سود جاری (مربوط بودن) نامیده می‌شود. با وارد کردن متغیرهای مستقل و کنترلی، رابطه ۲ به‌صورت رابطه ۱ توسعه می‌یابد.

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش قابلیت مقایسه (COM) است که برای اندازه‌گیری آن از مدلی که دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) ارائه کرده‌اند، استفاده شده است. در این مدل، دو شرکت زمانی مشابه در نظر گرفته می‌شوند که برای مجموعه‌ای از رویدادهای اقتصادی یکسان (مثل بازده)، گزارش مالی (مثل سود حسابداری) مشابه ارائه کنند. برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j به شرح زیر عمل می‌شود:

ابتدا برای هر شرکت - سال مدل رگرسیونی به شرح رابطه ۴ با استفاده از داده‌های سری زمانی (شش‌ماهه) برای دوره چهار سال اخیر منتهی به پایان سال t برآورد می‌شود.

$$\varepsilon_{i,k} + Earning_{i,k} = \alpha_{i,t} + \beta_{i,t} Return_{i,k} \quad (\text{رابطه ۴})$$

$Earning_{i,k}$ سود خالص شرکت i در شش‌ماهه k تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت در ابتدای شش‌ماهه و $Return_{i,k}$ بازده سهام شرکت i در شش‌ماهه k است.

ضرایب برآوردشده از رابطه ۴ برای هر شرکت - سال به‌عنوان معیاری از عملیات حسابداری آن شرکت است، یعنی α_i و β_i نشان‌دهنده عملیات حسابداری شرکت i و ضرایب α_j و β_j نشان‌دهنده عملیات حسابداری شرکت j است. شباهت بین عملیات حسابداری دو شرکت میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت را نشان می‌دهد. به‌منظور برآورد تفاوت بین عملیات حسابداری دو شرکت i و j از مفهوم قابلیت مقایسه (ارائه گزارش‌های مشابه در خصوص مجموعه‌ای رویداد مشابه)، استفاده می‌شود. از این رو، در هر سال با استفاده از رابطه‌های ۵ و ۶، سود دو شرکت به‌طور جداگانه با استفاده از ضرایب خاص خود شرکت ولی با بازده شرکت i (رویداد مشابه) برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی رابطه ۴ پیش‌بینی می‌شود.

$$E(Earning)_{ii,k} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i Return_{i,k} \quad (\text{رابطه ۵})$$

$$E(Earning)_{ij,k} = \hat{\alpha}_j + \hat{\beta}_j Return_{i,k} \quad (\text{رابطه ۶})$$

$E(Earning)_{ii,k}$ سود پیش‌بینی شده برای شرکت i و شش ماهه k با استفاده تابع حسابداری شرکت i و بازده شرکت i است.

$E(Earning)_{ij,k}$ سود پیش‌بینی شده برای شرکت j و شش ماهه k با استفاده تابع حسابداری شرکت j و بازده شرکت i است.

سپس قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t از طریق رابطه ۷ محاسبه می‌شود:

$$ComAcc_{ij,t} = \frac{-1}{8} \sum_{k=7}^k |E(Earning)_{ii,k} - E(Earning)_{ij,t}| \quad (\text{رابطه ۷})$$

$ComAcc_{ij,t}$ نشان‌دهنده قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t است.

با توجه به اینکه مقادیر بزرگ‌تر این شاخص، بیانگر قابلیت مقایسه بالاتر بین شرکت i و شرکت j است، قابلیت مقایسه برابر با میانگین چهار عدد بزرگ‌تر $ComAcc_{ij,t}$ های محاسبه شده برای شرکت i با شرکت‌های j هم صنعت است.

متغیرهای تعدیلگر

متغیرهای تعدیلگر در این پژوهش، سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی هستند که نحوه اندازه‌گیری در ادامه توضیح داده می‌شود.

سرمایه‌گذاران متخصص: در این پژوهش به پیروی از پژوهش روبرت و همکاران (۲۰۱۸)، از سهام‌داران نهادی به‌عنوان سرمایه‌گذاران متخصص نام برده می‌شود، زیرا برای تجزیه و تحلیل اطلاعات شرکت دارای تخصص، مهارت و منابع لازم هستند. آنها، بازیگران اصلی بازار سرمایه هستند و بخش شایان توجهی از سهام شرکت‌ها به آنها تعلق دارد و در زمینه سرمایه‌گذاری به‌صورت حرفه‌ای عمل می‌کنند. سهام‌دار نهادی عبارت است از مجموع درصد سهامی که سهام‌داران نهادی نظیر بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های هلدینگ، نهادهای مالی و سازمان‌ها، نهاد و شرکت‌های دولتی نگهداری می‌کنند. میانه مقادیر سهام‌داران نهادی محاسبه می‌شود، شرکت‌هایی که بالاتر از میانه قرار می‌گیرند، به‌عنوان شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص بیشتر و شرکت‌هایی که پایین‌تر از میانه قرار می‌گیرند، به‌عنوان شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص کمتر، تقسیم می‌شوند.

عدم تقارن اطلاعاتی

در این پژوهش، برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی، از معیار دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش نسبی سهام، استفاده شده است. نحوه محاسبه این معیار به‌صورت رابطه ۸ است.

$$SPREAD_{i,t} = \frac{1}{D_{i,t}} \sum_{d=1}^{D_{i,t}} \frac{(ASK_{i,d} - BID_{i,d})}{(ASK_{i,d} - BID_{i,d})/2} \quad (\text{رابطه ۸})$$

$SPREAD_{i,t}$ دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت i در سال t است، هرچه دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام عدد بزرگ‌تری باشد، حاکی از عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری است. $ASK_{i,d}$ بهترین (کمترین) قیمت پیشنهادی فروش سهام روزانه شرکت i را نشان می‌دهد. $BID_{i,d}$ نشان‌دهنده بهترین (بیشترین) قیمت پیشنهادی خرید سهام روزانه شرکت i است. $D_{i,t}$ تعداد روزهایی از سال t است که در آنها، بهترین قیمت پیشنهادی فروش و بهترین قیمت پیشنهادی خرید، برای شرکت i موجود باشد.

میان‌ه مقادیر عدم تقارن اطلاعاتی محاسبه می‌شود، شرکت‌هایی که پایین‌تر از میان‌ه قرار می‌گیرند، به‌عنوان شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی پایین و شرکت‌هایی که بالاتر از میان‌ه قرار می‌گیرند، به‌عنوان شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا تقسیم می‌شوند.

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش، به‌منظور کنترل ریسک شرکت و محیط‌های اطلاعاتی (کولین و کوتاری، ۱۹۸۹)، از متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، اهرم مالی و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام استفاده می‌شود که نحوه اندازه‌گیری آن به شرح زیر است:

اندازه شرکت (Size): اندازه شرکت برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

اهرم مالی (Lev): برابر است با نسبت ارزش دفتری کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها.

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام (BtM): برابر است با نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

زیان: متغیری مجازی است که اگر شرکت زیان گزارش کرده باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت صفر است. در این پژوهش نیز متغیر زیان کنترل می‌شود، زیرا باسو^۱ (۱۹۹۷) و هاین^۲ (۱۹۹۵) به این نتیجه رسیدند که مقدار ضریب واکنش سود جاری بین دوره‌های مالی با سود و زیان، نامتقارن است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. تعداد مشاهدات در این جدول برای هر متغیر برابر با ۷۲۰ مشاهده است. مطابق نتایج به‌دست‌آمده، میانگین و میان‌ه بازده غیرعادی شرکت‌های نمونه به ترتیب ۰/۱۵۰۴ و ۰/۱۶۸ است.

و بیشترین میزان بازده غیرعادی ۴/۴۶۶ و کمتر مقدار آن ۰/۰۰۰۰۰۰۱ است. میانه بازده غیرعادی بیانگر این موضوع است که در نمونه، سوگیری خوش‌بینانه وجود ندارد. میانگین و میانه سود غیرمنتظره به ترتیب ۰/۳۹۸۹ و ۰/۲۳۴۰ است. میانگین و میانه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به ترتیب ۰/۰۶۴۵- و ۰/۰۴۱۷- است. انحراف معیار بازده غیرعادی ۱/۶۱۱ و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ۰/۱۰۱۳ است که نشان می‌دهد بازده غیرعادی، دارای بیشترین و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، دارای کمترین پراکندگی هستند. میانگین سهام‌داران نهادی بیانگر این موضوع است شرکت‌های نمونه دارای ۵۲ درصد سهام‌داران نهادی هستند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
بازده غیرعادی	CAR	۰/۱۵۰۴	۰/۰۱۶۸	۴/۴۶۶	۰/۰۰۰۰۰۰۱	۱/۶۱۱
سود غیرمنتظره	Esur	۰/۳۹۸۹	۰/۲۳۴۰	۴/۹۸۵	۰/۰۰۱۲	۰/۵۲۷۹
قابلیت مقایسه صورت‌های مالی	COM	-۰/۰۶۴۵	-۰/۰۴۱۷	-۰/۰۰۲۵	-۰/۰۸۵۰	۰/۱۰۱۳
اندازه شرکت	SIZE	۱۳/۶۶۹	۱۳/۶۵۶	۱۹/۱۰۵	۹/۹۴۲	۱/۴۹۶
اهرم مالی	LEV	۰/۶۱۹۴	۰/۶۲۰۴	۲/۱۷۵	۰/۰۲۶	۰/۲۳۱۶
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BtM	۰/۶۰۰۲	۰/۴۹۶	۶/۷۰۳	-۷/۴۴۹	۰/۷۱۳۳
سهام‌داران نهادی	INS	۰/۵۲۹۸	۰/۵۸۱۲	۰/۹۸۷۱	۰/۰۰۰۰	۰/۲۸۷۶
عدم تقارن اطلاعاتی	Spread	۰/۰۲۵۵	۰/۰۲۳۰	۰/۲۴۶۷	۰/۰۰۰۵	۰/۱۷۸۱

در جدول ۲ درصد فراوانی شرکت‌ها بر اساس متغیر زیان، سهام‌داران نهادی (کم و زیاد) و عدم تقارن اطلاعاتی بیان شده است.

جدول ۲. فراوانی برخی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	زیان		سهام‌داران نهادی		عدم تقارن اطلاعاتی	
	یک	صفر	زیاد	کم	کم	زیاد
تعداد شرکت	۱۰۰	۶۲۰	۳۶۲	۳۵۷	۳۶۰	۳۵۶
درصد	۰/۱۳	۰/۸۷	۰/۵۰۳۴	۰/۴۹۶۶	۰/۵۰۲۷	۰/۴۹۷۳

جدول هم‌بستگی

برای بررسی هم‌خطی میان متغیرهای توضیحی، از روش هم‌بستگی پیرسون استفاده شده است. اگر سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد، هم‌بستگی معنادار خواهد. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب هم‌بستگی بین متغیرهای وارد شده در هر مدل بسیار ضعیف و متوسط است و بین متغیرها هم‌خطی وجود ندارد.

جدول ۳. جدول هم‌بستگی

Loss	Mtb	Lev	Size	Com	Esur	car	
						۱/۰۰۰۰	Car
					۱/۰۰۰۰	-۰/۵۴۶۱	Esur
				۱/۰۰۰۰	-۰/۰۶۶۸	-۰/۰۲۶۵	Com
			۱/۰۰۰۰	-۰/۱۶۵۶	-۰/۰۵۸۷	-۰/۰۰۷۴	Size
		۱/۰۰۰۰	-۰/۱۸۶۱	-۰/۰۰۷۰	-۰/۰۰۶۹	-۰/۰۳۸۷	Lev
	۱/۰۰۰۰	-۰/۳۶۱۸	-۰/۱۷۶۳	-۰/۰۰۸۵	-۰/۰۱۸۰	-۰/۰۷۷۳	Mtb
۱/۰۰۰۰	-۰/۱۲۳۳	۰/۳۸۵۹	-۰/۱۲۵۴	-۰/۰۵۳۲	-۰/۰۲۶۸	-۰/۰۳۱۳	Loss

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش

الف. نتایج آزمون فرضیه اول

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش در جدول ۴ نشان داده شده است. برای انتخاب نوع مدل برازش از بین دو مدل تلفیقی و مدل اثرهای ثابت، از آزمون F لیمر و برای انتخاب از بین دو مدل اثرهای ثابت و اثرهای تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن بیانگر استفاده از داده‌های پانلی با اثرهای ثابت هستند. نتایج نشان می‌دهند که تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری مثبت است. ضریب حاصل ضرب قابلیت مقایسه در سودهای غیرمنتظره مثبت (۰/۷۲۲) و سطح معناداری این متغیر، کمتر از ۰/۰۵ است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده، فرضیه اول در سطح خطای ۱ درصد پذیرفته شده است. همچنین در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت بر مربوط بودن، تأثیر مثبت دارد و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان تأثیر منفی دارد.

بر اساس مقادیر آماره تورم واریانس، در بین متغیرهای مستقل رابطه ۱ مشکل هم‌خطی وجود ندارد. معناداری آماره والد (۵۱۳۴/۱۱) نشان‌دهنده معناداری کل رابطه ۱ است. معناداری آماره وولدریج نشان می‌دهد که باقی‌مانده‌های رابطه ۱ خودهم‌بستگی سریالی دارند. همچنین معناداری آماره والد تعدیل نشان‌دهنده وجود مشکل ناهمسانی واریانس بین اجرای اخلاص رابطه ۱ است. در این پژوهش برای رفع مشکل خودهم‌بستگی سریالی و ناهمسانی واریانس، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

$$CAR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ESUR_{i,t} + \beta_2 Com_{i,t} + \beta_3 ESUR_{i,t} \times COM_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 BtM_{i,t} + \beta_6 Lev_{i,t} + \beta_7 Loss_{i,t} + \beta_8 ESUR_{i,t} \times Size_{i,t} + \beta_9 ESUR_{i,t} \times BtM_{i,t} + \beta_{10} ESUR_{i,t} \times Lev_{i,t} + \beta_{11} ESUR_{i,t} \times Loss_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	p-value	VIF
ضریب ثابت	-۰/۰۷۷۷	۰/۰۷۸۵	-۰/۹۹	۰/۳۲۲	-
Esur	-۰/۰۰۸۰	۰/۰۰۲۵	-۲/۸۳	۰/۰۰۵	۴/۰۰۱
Com	۲/۶۸۰	۰/۱۲۴۱	۲۱/۵۹	۰/۰۰۰۰	۳/۲۹
Esur × Com	۰/۷۲۲	۰/۰۱۵۷	۴۵/۹۴	۰/۰۰۰۰	۳/۵۸
Size	۰/۰۲۱۸	۰/۰۰۵۰	۴/۳۲	۰/۰۰۰۰	۱/۵۲
BtM	-۰/۰۰۳۷	۰/۰۱۰۷	-۰/۳۵	۰/۷۲۸	۱/۷۴
Lev	-۰/۰۱۷۵	۰/۰۳۱۶	-۰/۵۵	۰/۵۷۹	۱/۶۲
Loss	۰/۰۱۵۹	۰/۰۱۹۶	۰/۸۱	۰/۴۱۷	۱/۵۰
Esur × Size	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۱۸	۳/۳۲	۰/۰۰۱	۱/۶۸
Esur × BtM	-۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۰۵۶	-۲/۱۱	۰/۰۳۵	۵/۰۹
Esur × Lev	-۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۱۲	-۱/۱۹	۰/۲۳۶	۱/۴۵
Esur × Loss	-۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۷	-۱/۰۸۱	۰/۲۸۱	۱/۶۰
آماره والد (معناداری کل مدل)		۵۱۳۴/۱۱		۰/۰۰۰۰	
آماره F لیمر		۳/۹۱		۰/۰۰۰۰	
آماره هاسمن		۱۱۴/۳۰		۰/۰۰۰۰	
آماره وولدریج		۱۶/۶۶۴		۰/۰۰۰۰	
آماره والد تعدیل شده		۱۹۷۳۲/۴۳		۰/۰۰۰۰	

ب. نتایج آزمون فرضیه دوم

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش در جدول ۵ نشان داده شده است. برای انتخاب نوع مدل برازش از بین دو مدل تلفیقی و مدل اثرهای ثابت، از آزمون F لیمر و برای انتخاب از بین دو مدل اثرهای ثابت و اثرهای تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن بیانگر استفاده از داده‌های پانلی با اثرهای ثابت هستند.

بر اساس نتایج، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکت‌های با سرمایه‌گذاران با تخصص بالا، قوی‌تر است. ضریب حاصل ضرب قابلیت مقایسه در سودهای غیرمنتظره مثبت (۰/۹۱۶۹) و سطح معناداری این متغیر در شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص بیشتر، کمتر از ۰/۰۵ است، در حالی که ضریب حاصل ضرب قابلیت مقایسه در سودهای غیرمنتظره مثبت (۰/۴۷۶۳) و سطح معناداری این متغیر در شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص کمتر، کمتر از ۰/۰۵ است، مقدار ضریب نامبرده در شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص بیشتر در مقایسه با شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص کمتر، بزرگ‌تر (۰/۹۱۶۹ < ۰/۴۷۶۳) است. در رابطه با مقایسه

میزان تأثیر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی بر مربوط بودن، معناداری آماره پترنوستر و همکاران^۱ (۰/۰۰۰۰) نشان می‌دهد که تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص بیشتر، به صورت معناداری از تأثیر آن در شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص کمتر، قوی‌تر است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده، فرضیه دوم در سطح خطای ۱ درصد پذیرفته شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

$$CAR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ESUR_{i,t} + \beta_2 Com_{i,t} + \beta_3 ESUR_{i,t} \times COM_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 BtM_{i,t} + \beta_6 Lev_{i,t} + \beta_7 Loss_{i,t} + \beta_8 ESUR_{i,t} \times Size_{i,t} + \beta_9 ESUR_{i,t} \times BtM_{i,t} + \beta_{10} ESUR_{i,t} \times Lev_{i,t} + \beta_{11} ESUR_{i,t} \times Loss_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص کمتر			شرکت‌های با سرمایه‌گذاران متخصص بیشتر			متغیر
Vif	معناداری	ضرایب	Vif	معناداری	ضرایب	
-	۰/۱۶۱	-۰/۲۲۱۶	-	۰/۳۴۰	۰/۰۴۳۲	ضریب ثابت
۲/۳۶	۰/۶۲۶	-۰/۰۰۴۹	۴/۴۹	۰/۰۲۷	۰/۰۰۳۷	Esur
۴/۶۴	۰/۰۰۰۰	۱/۳۲۵	۱/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۲۳۶۲	Com
۴/۸۹	۰/۰۰۰۰	۰/۴۷۶۳	۱/۷۷	۰/۰۰۰	۰/۹۱۶۹	Esur × Com
۱/۹۹	۰/۰۰۲	۰/۰۳۰۵	۱/۵۲	۰/۱۷۵	-۰/۰۰۴۰	Size
۲/۱۵	۰/۵۷۴	-۰/۰۱۵۵	۱/۷۳	۰/۷۴۳	-۰/۰۰۲۲	BtM
۱/۸۲	۰/۷۹۱	-۰/۰۱۶۵	۱/۹۲	۰/۳۳۵	۰/۰۱۷۵	Lev
۱/۹۱	۰/۱۴۲	۰/۰۷۴۷	۱/۴۸	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳۸	Loss
۵/۹۴	۰/۳۳۷	۰/۰۰۰۵	۵/۰۵	۰/۰۰۵	-۰/۰۰۰۳	Esur × Size
۶/۴۰	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۶۶	۷/۴۴	۰/۲۹۵	۰/۰۰۰۲	Esur × BtM
۲/۸۹	۰/۴۷۶	-۰/۰۰۳۳	۵/۸۹	۰/۴۰۵	۰/۰۰۰۴	Esur × Lev
۱/۹۴	۰/۷۱۱	-۰/۰۰۱۱	۱/۷۶	۰/۸۹۲	۰/۰۰۰۰۳	Esur × Loss
۰/۰۰۰۰		۱۱۷۳/۶۴	۰/۰۰۰۰		۱۶۴۲/۴۲	آماره والد (معناداری کل مدل)
۰/۰۰۰۰		۱۰/۶۵	۰/۰۰۰۰		۲/۲۲	آماره F لیمر
۰/۰۰۰۰		۳۲/۱۶	۰/۰۰۰۰		۲۹/۱۰	آماره هاسمن
۰/۰۸۴۶		۳/۱۲۳	۰/۰۴۳۱		۴/۳۵۲	آماره وولدریج
۰/۰۰۰۰		۹۸۷۱/۲۵	۰/۰۰۰۰		۳۸۰/۲۵۱	آماره والد تعدیل شده
		۰/۰۰۰۰			۱۲/۸۲	آماره پترنوستر و همکاران
	۳۵۷			۳۶۲		تعداد مشاهدات

مقادیر آماره تورم واریانس نشان می‌دهند که در بین متغیرهای مستقل در هر دو گروه مشکل هم‌خطی وجود ندارد. سطح معناداری آماره والد (۰/۰۰۰۰) برای هر دو گروه نشان‌دهنده معناداری کل مدل هر دو در گروه است. احتمال آماره

۱. زمانی که پژوهشگر قصد دارد یک مدل را در دو نمونه آماری مستقل از هم برآورد کرده و معناداری اختلاف ضرایب یک متغیر مستقل را در دو نمونه بررسی کند، می‌تواند از آزمون پترنوستر و همکاران استفاده کند (افلاطونی و امیر بختیاروند، ۱۳۹۶).

وولدریج (۰/۰۴۳۱، ۰/۰۸۴۶) نشان می‌دهد که باقی‌مانده‌های گروه با سرمایه‌گذاران با تخصص بیشتر خودهم‌بستگی سریالی دارند و گروه با تخصص کمتر خودهم‌بستگی سریالی ندارند. همچنین معناداری آماره والد تعدیل‌شده، نشان‌دهنده وجود مشکل ناهمسانی واریانس بین اجرای اخلاقی در هر دو گروه است. به‌منظور رفع مشکل خودهم‌بستگی سریالی و ناهمسانی واریانس، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است.

ج. نتایج آزمون فرضیه سوم

نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش در جدول ۶ نشان داده شده است. برای انتخاب نوع مدل برازش از بین دو مدل تلفیقی و مدل اثرهای ثابت، از آزمون F لیمر و برای انتخاب از بین دو مدل اثرهای ثابت و اثرهای تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن بیانگر استفاده از داده‌های پانلی با اثرهای تصادفی هستند. نتایج نشان می‌دهند که تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی پایین، قوی‌تر است.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

$CAR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ESUR_{i,t} + \beta_2 Com_{i,t} + \beta_3 ESUR_{i,t} \times COM_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 BtM_{i,t} + \beta_6 Lev_{i,t} + \beta_7 Loss_{i,t} + \beta_8 ESUR_{i,t} \times Size_{i,t} + \beta_9 ESUR_{i,t} \times BtM_{i,t} + \beta_{10} ESUR_{i,t} \times Lev_{i,t} + \beta_{11} ESUR_{i,t} \times Loss_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$						
شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا		شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی پایین			متغیر	
Vif	معناداری	ضرایب	Vif	معناداری	ضرایب	
-	۰/۹۴۹	-۰/۰۰۶۳	-	۰/۶۱۵	-۰/۰۱۵۲	ضریب ثابت
۷/۶۰	۰/۳۱۶	-۰/۰۰۴۶	۳/۷۸	۰/۳۲۴	-۰/۰۰۱۷	Esur
۵/۵۸	۰/۰۰۰	۲/۰۴۳	۱/۲۷	۰/۵۶۱	-۰/۰۰۹۲	Com
۵/۸۴	۰/۰۰۰۰	۰/۵۷۰۷	۲/۲۳	۰/۰۰۰۰	۰/۹۳۷۸	Esur × Com
۱/۵۲	۰/۰۰۴	۰/۰۱۸۳	۱/۹۳	۰/۱۹۱	۰/۰۰۲۴	Size
۱/۶۸	۰/۳۹۳	-۰/۰۱۱۲	۲/۱۰	۰/۰۷۲	۰/۰۰۸۵	BtM
۱/۵۵	۰/۳۸۳	-۰/۰۳۴۶	۲/۱۴	۰/۲۰۸	-۰/۰۱۷۵	Lev
۱/۳۷	۰/۶۲۰	۰/۰۱۲۱	۲/۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۷۴	Loss
۴/۹۵	۰/۷۳۴	۰/۰۰۰۱	۲/۴۵	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰۲	Esur × Size
۵/۱۸	۰/۳۶۰	-۰/۰۰۰۷	۶/۱۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱۰	Esur × BtM
۴/۵۶	۰/۱۵۳	۰/۰۰۲۲	۵/۲۷	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۳۶	Esur × Lev
۱/۶۶	۰/۰۰۶	-۰/۰۰۲۸	۱/۹۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۴	Esur × Loss
۰/۰۰۰۰		۲۰۸۱/۳۹	۰/۰۰۰۰		۴۳۹۶۲/۷۵	آماره والد(معناداری کل مدل)
۰/۰۰۰۰		۲/۲۲	۰/۰۴۶۸		۱/۳۴	آماره F لیمر
۰/۷۲۰۲		۷/۰۶	۰/۰۷۱۷		۱۸/۴۵	آماره هاسمن
۰/۰۰۹۱		۷/۵۰۸	۰/۰۰۴۲		۹/۱۳۲	آماره وولدریج
۰/۰۰۰۰		۵۰۶/۵۱	۰/۰۰۰۰		۱۳۷۲/۱۴	آماره نسبت درست‌نمایی
		۰/۰۰۰۰			۱۶/۸۴۷	آماره پتر نوستر و همکاران
۳۵۶		۳۶۰			تعداد مشاهدات	

ضریب حاصل ضرب قابلیت مقایسه در سودهای غیرمنتظره مثبت (۰/۹۳۷۸) و سطح معناداری این متغیر در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی پایین، کمتر از ۰/۰۵ است، در حالی که ضریب حاصل ضرب قابلیت مقایسه در سودهای غیرمنتظره مثبت (۰/۵۷۰۷) و سطح معناداری این متغیر در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا، کمتر از ۰/۰۵ است، مقدار ضریب نام‌برده در شرکت با عدم تقارن اطلاعاتی پایین در مقایسه با شرکت با عدم تقارن اطلاعاتی بالا، بزرگ‌تر (۰/۹۳۷۸ < ۰/۵۷۰۷) است. معناداری آماره پترنوستر و همکاران (۰/۰۰۰۰)، در خصوص مقایسه میزان تأثیر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی بر مربوط بودن، نشان می‌دهد که تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی پایین، به صورت معناداری از تأثیر آن در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا، قوی‌تر است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده، فرضیه سوم در سطح خطای ۱ درصد پذیرفته شده است.

مقادیر آماره تورم واریانس نشان می‌دهند که در بین متغیرهای مستقل در هر دو گروه مشکل هم‌خطی وجود ندارد. سطح معناداری آماره والد (۰/۰۰۰۰) برای هر دو گروه نشان‌دهنده معناداری کل مدل هر دو در گروه است. احتمال آماره وولدریج (۰/۰۰۴۲، ۰/۰۰۹۱) نشان می‌دهد که باقی‌مانده‌های هر دو گروه خودهم‌بستگی سریالی دارند. همچنین معناداری آماره نسبت راست‌نمایی نشان‌دهنده وجود مشکل ناهمسانی واریانس بین اجرای اخلاص در هر دو گروه است. به منظور رفع مشکل خودهم‌بستگی سریالی و ناهمسانی واریانس، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری با توجه به نقش سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی است. بر اساس نتایج آزمون فرضیه اول، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارد. به بیان دیگر، زمانی که مقدار قابلیت مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی بالا است، واکنش سرمایه‌گذاران بازار سرمایه به اعلام هر واحد سود، قوی‌تر است. این یافته‌ها با پژوهش روبرت و همکاران (۲۰۱۸)، چارچوب مفهومی هیئت تدوین استانداردهای حسابداری (۲۰۱۰) و پژوهش فروغی و قاسم زاد (۱۳۹۴) مبنی بر اینکه قابلیت مقایسه سودمندی در تصمیم اطلاعات حسابداری مربوط را بهبود می‌بخشد، مطابقت دارد. همچنین بر اساس نتایج آزمون فرضیه دوم، زمانی که شرکت‌ها سرمایه‌گذاران متخصص زیادی دارند، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن افزایش می‌یابد، زیرا سرمایه‌گذاران متخصص، برای انجام تحلیل مقایسه‌پذیری بین شرکت‌ها، دارای منابع، مهارت و دانش کافی هستند. این یافته‌ها نیز با پژوهش روبرت و همکاران (۲۰۱۸)، مبنی بر اینکه قابلیت مقایسه، به سرمایه‌گذاران متخصص در قیمت‌گذاری اخبار سود، بهتر کمک می‌کند، مطابقت دارد. علاوه بر این، بر اساس یافته‌های فرضیه سوم، زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی پایین است، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن افزایش می‌یابد، زیرا وجود اطلاعات خصوصی زیاد بین استفاده‌کنندگان بر انتخاب شرکت‌های همسان تأثیرگذار است و باعث ایجاد تفاوت تصمیم‌گیری بین افراد مختلف می‌شود. این یافته‌ها با پژوهش روبرت و همکاران (۲۰۱۸) نیز مطابقت دارد، با این مفهوم که وقتی عدم تقارن اطلاعاتی پایین است، قابلیت مقایسه در ارزیابی سرمایه‌گذاران از اخبار سود حول اعلام سود، نقش قوی‌تری دارند. نتایج کلی بر نقش مکمل مقایسه‌پذیری

صورت‌های مالی تأکید دارند، به این مفهوم که استفاده‌کنندگان با تخصص زیاد و عدم تقارن اطلاعاتی پایین، می‌توانند نقش مقایسه‌پذیری در ارزیابی مربوط بودن اطلاعات حسابداری را حداکثر کنند. بر اساس همین نقش مکمل، قابلیت مقایسه به استفاده‌کنندگان اطلاعات کمک می‌کند تا بتوانند اطلاعات را تا زمانی که سرمایه‌گذاران قادر هستند از مقایسه عملکردهای اقتصادی، تجزیه و تحلیل بامعناتری ارائه دهند، پردازش کنند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری که به دنبال ساده‌سازی استانداردهای حسابداری، یعنی کاهش پیچیدگی و هزینه‌های پردازش اطلاعات گزارشگری مالی از طریق بهبود قابلیت مقایسه و درک اطلاعات هستند، پیشنهاد می‌شود، برخی منابع و تلاش‌های خود را به سمت شرکت‌هایی که با کمبود سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی بالا در بین سرمایه‌گذاران مواجه هستند، سوق دهند. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران متخصص، همچون سهام‌داران نهادی، در تحلیل مقایسه‌پذیری شرکت‌ها توانایی بیشتری دارند، به سرمایه‌گذاران حقیقی پیشنهاد می‌شود، هنگام سرمایه‌گذاری، رفتار این‌گونه سرمایه‌گذاران را در نظر بگیرند و بهترین گزینه سرمایه‌گذاری را انتخاب کنند. همچنین، به مدیران واحد تجاری و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری پیشنهاد می‌شود، برای کمک به سرمایه‌گذاران در ارزیابی عملکرد شرکت‌ها، به بهبود قابلیت مقایسه صورت‌های مالی توجه کنند، زیرا سرمایه‌گذاران می‌توانند با داشتن درک مناسب از تحلیل قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، اطلاعات مفید و حتی افشانشده توسط مدیران شرکت را از طریق اطلاعات مالی سایر شرکت‌ها به دست آورند. علاوه بر این، فراهم آوردن شرایط لازم برای قابلیت مقایسه دوره‌های مختلف یک واحد تجاری، استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد تا با بررسی روندها، قوت‌ها و ضعف‌های یک واحد تجاری را ارزیابی کنند. به مدیران واحد تجاری نیز پیشنهاد می‌شود، به منظور کمک به سرمایه‌گذاران در انجام مقایسه و ارزیابی عملکرد شرکت‌ها، رویه‌های استفاده‌شده توسط سایر شرکت‌های هم‌صنعت را بررسی کرده و در صورت امکان، در تهیه صورت‌های مالی همسانی رویه را بیش‌ازپیش رعایت کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود، سازمان بورس، اوراق بهادار شرکت‌ها را از لحاظ قابلیت مقایسه صورت‌های مالی رتبه‌بندی کرده و گزارش آن را در دوره‌های منظم در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دهد تا شرکت‌ها نیز در راستای افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی خود، بیشتر تلاش کنند.

از جمله مواردی که تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهش حاضر را با محدودیت روبه‌رو می‌کند، نبود معیاری عینی‌تر برای سنجش متغیرهای کیفی مانند مربوط بودن و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است. همچنین با توجه به اینکه کیفیت سود بر ضریب واکنش سود تأثیر مثبت دارد، به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود، رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با ضریب واکنش سود را با در نظر گرفتن معیارهای کیفیت سود همچون پایداری سود، کیفیت ارقام تعهدی، هموارسازی سود و زمان‌بندی سود بررسی کنند. برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه می‌توان به جای استفاده رابطه سود و بازده، از رابطه ارقام تعهدی و جریان نقد عملیاتی استفاده کرد. علاوه بر این، در پژوهش‌های آتی می‌توان تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر آگاهی‌بخشی سودهای آتی را با در نظر گرفتن نقش سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی، بررسی کرد. با توجه به اینکه مدیران تواناتر، صورت‌های مالی مقایسه‌شدنی‌تری ارائه می‌دهند، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، با توجه به توانایی مدیران، رابطه بین قابلیت مقایسه و مربوط بودن بررسی شود.

منابع

- آقای، محمد علی؛ حسن زاده، بهروز (۱۳۹۷). مقایسه‌پذیری حسابداری و تأثیر آن بر کارایی سرمایه‌گذاری. *دانش حسابداری*، ۹(۲)، ۳۴-۷.
- افلاطونی، عباس؛ امیربختیاروند، امین (۱۳۹۶). نقش کیفیت افشا و کیفیت ارقام تعهدی در کاهش انحراف از سطح بهینه ساختار سرمایه. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۴(۱۹)، ۱۶۷-۱۸۰.
- بهار مقدم، مهدی؛ موسوی، سید علی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر پایداری سود و شرایط اقتصادی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۵(۱)، ۸۹-۱۱۲.
- حمیدیان، نرگس؛ عرب‌صالحی، مهدی؛ امیری، هادی (۱۳۹۷). بررسی نقش عدم اطمینان اطلاعات حسابداری بر واکنش سرمایه‌گذاران به اعلام سود. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۴(۵۷)، ۱۴۷-۱۷۰.
- فروغی، داریوش؛ قاسمزاد، پیمان (۱۳۹۴). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سود آتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲(۴)، ۴۷۹-۵۰۰.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۹). *استانداردهای حسابداری*. تهران: سازمان حسابرسی.
- مهربان‌پور، محمد رضا؛ فرجی، امید؛ سجادپور، رضا (۱۳۹۹). نقش میانجی کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگاه‌داشت وجه. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۱)، ۱۳۲-۱۵۳.

References

- Aboody, D., Lev, B. (2000). Information Asymmetry, R&D, and Insider Gains. *The Journal of Finance*, 55, (6), 2747-2766.
- Aflatooni, A. & Amirbaghtiarvand, A. (2017). The Role of Disclosure Quality and Accruals Quality in Reducing the Deviation from the Optimal Capital Structure. *Aseet management and financing*, 4(19), 167-180.
- Aghaei, M & Hasanzadeh, B. (2018). Accounting comparability and its effect on investment efficiency. *Journal of accounting knowledge*, 9(2), 7-34. (in Persian)
- Bahar Moghaddam, M. & Mousavi, A. (2016). Impact of earnings sustainability and economic conditions on value relevance of accounting information. *Journal of empirical research in accounting*, 5(1), 89-112. (in Persian)
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 3-37.
- Beisland, L. & Hamberg, M. (2013). Earning sustainability, economic condition and value relevance of accounting information. *Scandinavian journal of management*, 29(3), 314-324.
- Bhattacharya, N. (2001). Investors' trade size and trading responses around earnings announcements: An empirical investigation. *Accounting Review*, 76(2), 221-244.
- Bird, A., Karolyi, S. (2016). Do institutional investors demand public disclosure? *The Review of Financial Studies*, 29(12), 3245-3277.

- Boni, L., Womack, K. (2006). Analysts, industries, and price momentum. *Journal of Financial Quantitative Analysis*, 41(1), 85–109.
- Boone, A., White, J. (2015). The effect of institutional ownership on firm transparency and information production. *Journal of Financial Economics*, 117(3), 508–533.
- Campbell, J., Yeung, E. (2017). Earnings comparability, accounting similarities, and stock returns: Evidence from peer firms' earnings restatements. *Journal of Accounting Auditing and Finance*, 32(4), 480–509.
- Chen, C., Collin, D., Kravet, T. & Richard, M. (2018). Financial Statement Comparability and the Efficiency of Acquisition Decisions. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 164–202.
- Choi, J., Choi, S., Myers, L. & Ziebert, D. (2018). Financial Statement Comparability and the Informativeness of Stock Prices about Future Earnings. *Contemporary Accounting Research, Forthcoming*, 36(1), 389-417.
- Collins, D., Gong, G., Hribar, P. (2003). Investor sophistication and the mispricing of accruals. *Review of Accounting Studies*, 8(3), 251–276.
- Collins, D., Kothari, S. (1989). An analysis of intertemporal and cross-sectional determinants of earnings response coefficient. *Journal of Accounting and Economic*, 11(2-3), 143–181.
- De Franco, G., Hope, O-K., Larocque, S. (2015). Analysts' choice of peer companies. *Review of Accounting Studies*, 22, 82–109.
- De Franco, G., Kothari, S., Verdi, R. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, 49(4), 895–931.
- Diamond, D. (1985). Optimal release of information by firms. *Journal of Finance*, 40(4), 1071–1094.
- Drake, M., Guest, N., Twedt, B. (2014). The media and mispricing: The role of the business press in the pricing of accounting information. *Accounting Review*, 89(5), 1673–1701.
- Financial Accounting Standards Board . (2010). *Statement of Financial Accounting Concepts No. 8*.
- Foroghi, D. & Ghasemzad, P. (2015). The effect of financial statement comparability on future earning response coefficients. *Accounting and auditing review*, 22(4), 479-500. (in Persian)
- Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., Schipper, K., (2007). Information uncertainty and post-earnings-announcement-drift. *Journal of Business Finance and Accounting*, 34(3-4), 403–433.
- Hamaidian, N., Arabsalehi, M. & Amiri, H. (2018). Investigating the role of accounting uncertainty on investors reaction to earning announcement. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 14(57), 147-170. (in Persian)
- Hayn, C. (1995). The information content of losses. *Journal of Accounting and Economics*, 20(2), 125–153.

- Holthausen, R., Verrecchia, R. (1998). The effect of sequential information releases on the variance of price changes in an intertemporal multi-asset market. *Journal of Accounting Research*, 26(1), 82–106.
- International Accounting Standards Board, (2010). *The conceptual framework for financial reporting 2010*. IASB, London.
- Kim, J., Li, L., Lu, L. & Yu, Y. (2016). Financial Statement Comparability and Expected Crash Risk. *Journal of Accounting and Economics*, 61(2-3), 294–312.
- Kim, O., Verrecchia, R. (1994). Market liquidity and volume around earnings announcements. *Journal of Accounting and Economics*, 17(1-2), 41–67.
- Kim, S., Kraft, P., & Ryan, S. G. (2013). Financial Statement Comparability and Credit Risk. *Review of Accounting Studies*, 18(3), 783–823.
- Komiteh Tadvin Accounting Standards (2010). *Accounting standards*. Tehran. Auditing organization. (in Persian)
- Kothari, S. (2001). Capital markets research in accounting. *Journal of Accounting Economics*, 31(1-3), 105–231.
- Kothari, S., Li, X., Short, J. (2009). The effect of disclosures by management, analysts, and business press on cost of capital, return volatility, and analyst forecasts: A study using content analysis. *Accounting Review*, 84(5), 1639–1670.
- Libby, R., Libby, P., & Hodge, F. (2017). *Financial accounting, 9th edition*. McGraw-Hill. New York.
- Mehrabanpout, M. & Faraji, O., & Sajadpour, R. (2020). The mediating role of financial reporting quality on the relationship between financial statement comparability and cash holding. *Accounting and auditing review*, 27(1), 132-153. (in Persian)
- Mikhail, M., Walther, B., & Willis, R. (2007). When security analysts talk, who listens? *Accounting Review*, 82(5), 1227–1253.
- Neel, M. J. (2017). Accounting Comparability and Economic Outcomes of Mandatory IFRS Adoption. *Contemporary Accounting Research*, 34(2), 658–90.
- Pástor, L., & Veronesi, M. (2009). Learning in financial markets. *Annual Review of Financial Economics*, 1(1), 361-381.
- Robert, K., Sangwan, K., & Prianka, M.(2018). When Does Comparability Better Enhance Relevance? Policy Implications from Empirical Evidence. *Journal of Accounting and Public policy*, 37(5), 436-457.